



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۹/۰۱

اسحق نگارگر

این یادداشتی است که در اول سپتمبر ۲۰۱۵ در مزار شریف نوشته بودم که باز تقدیم شد.
نگارگر اول سپتمبر ۲۰۱۹ برمنگهم

خشونت و اهانت علیه زنان عمل نامردان است

امروز در این سرزمین روابط و مناسبات اجتماعی مبتنی بر زر و زور است. آنکه زر در کیسه دارد میتواند با زر خود زور خریداری کند و بازوان زورمند را در استخدام بگیرد و بازوان زورنیز به نوبه خود می توانند این جا و آنجا بر مردم بتازند و به بازوی زور زر ببندوزند. دانشمندان مغرب زمین و در میان شان عبدالرحمان بن خلدون خودمان هنگامیکه بر نظریات چه گونگی به وجود آمدن حکومت بحث کرده اند چنین پنداشته اند که در یک مرحله افراد جامعه دارای زور های تقریباً مساوی بوده اند که می توانسته اند با دست و بازو و مُشت و لگد با همدیگر مقابله کنند و اگر احیاناً یکی در میان شان کمزور تر بوده است می توانست در گوشه ای بر ضد دشمن نیرومند کمین بگیرد و با سنگی از کمینگاه بر فرق دشمن بکوبد و شرش را از خود دفع کند. درحالی که همه زور مساوی داشتند و هرکس برای خود حقی را میخواست که دیگران نیز خواهان آن بودند، حق ها و زورهای مساوی که هرکس سلطان خود بود میتوانست از حق خود و خانواده خود دفاع کند و این حالت نوعی تعادل اجتماعی ایجاد می کرد و افراد یک قبیله آهسته آهسته بدین نتیجه رسیدند که برخی از صلاحیت های خود را به بزرگان قبیله تفویض کنند و دولت های قبیلوی را به وجود بیاورند تا از قبیله خودی در برابر قبیله های متجاوز دفاع کنند و دولت های ملی بدل کنند. بنابراین علت وجودی دولت همین بود که ضعیف را از قوی نگاه دارد. در سرزمین ما امروز دولت هم هست و هم نیست. هست برای اینکه تشکیلات آن وجود دارد. پلیس هست، قضا هست و تأسیسات امنیتی هست ولی نمیتواند ضعیف را از تجاوز قوی نگاه دارد و تنها یک سنگ انداز دورتر از دستگاه های دولت مردانی جسور می تواند با آسودگی خاطر عده ای زن را به گوشه خلوت بکشاند و با فراغ خاطر بر ایشان تجاوز کند. ممکن مقامات امنیتی دست بر سینه بکوبند که ما متجاوزین را گرفتار کردیم و من هم در این مورد ناگزیر عمل شان را ستایش میکنم اما اگر می توانستند علاج واقعه را قبل از وقوع بنمایند متخلفان نمی توانستند چنین گستاخ عمل نمایند و در سایه دیوار پلیس ابروی مردم را فرو ریزانند. آقایان میخواهند بپذیرند و میخواهند نپذیرند ولی حقیقت همین است که همین زنان به اصطلاح ناقص العقل عواطف ما را با تمدن و آداب معاشرت اجتماعی آشنا ساخته اند. زنان در آن روزگاران دور که ما همه علت بسیاری از عوامل طبیعی را نمی دانستیم از خون و خشونت در وجود خود نفرت داشتند و خون بکارت، خون عادت ماهانه و خون زایمان را نتیجه خشم خدایان میدانستند و دلیل این خشم را نمیتوانستند توجیه کنند. مردان شکارچی برای ربودن زنان نیز کمین می گرفتند و آنان را می ربودند یا خود به کار می گرفتند و یا در مارکیت های برده فروشی می فروختند. این زن بود که آهسته آهسته اخلاق خشن مردانه را به وسیله ازدواج، موسیقی و قصه سرایی تعدیل کرد. زنان در تاریخ تمدن انسانی شهرزاد های قصه گوی امپراتوران مستبد بودند که با افسانه های شیرین خود عطوفت، جوانمردی و مهربانی را به ما یاد می دادند و دریا و دریغا که زور بازوی ما را نداشتند در خانه مورد خشونت شوهر، در بازار مورد شوخی های خنک هوس رانان و در سیر و سفر مورد تجاوز زردان ناموس قرار گرفته اند. معیار مردان و عیاران تنها یک چیز است. آن را که نمی خواهند دیگران بر مادر، خواهر و همسر شان اعمال کنند بر دیگران اعمال نمی کنند و سخن مولانا همیشه در گوش شان زنگ میزند که:

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

این جهان کوه است و فعل ما صدا سوی ما آید ندا اندر ندا

دلم از تطاولی که بر زنان در نزدیک قرغه رفت سخت به درد آمد و این یادداشت را نوشتم. می ترسم مقابله با این خشونت های مردانه زنان را مجبور بسازد که به ورزش های خشن بوکس، کاراته و جودو متوسل شوند که در این صورت تنها من عزای آن مهر و عطوفت زنانه را خواهم گرفت که تمدن انسانی ما را به وجود آورده است.

والله اعلم بالصواب اول ماه سپتمبر ۲۰۱۵ برابر با ۱۲ سنبله ۱۳۹۳ شهر مزار شریف. نگارگر